

بنام خدا با سلام خدمت آقای شهبازی و اعضای گنج حضور که با به اشتراک گذاشتن مطالب خود ما را بیشتر راهنمایی می کنند و با تشکر از آقای شهبازی و مولانای جان که درست زندگی کردن را از آنها یاد گرفتیم. و از تمام اعضای گنج حضور، که قانون جبران مادی را انجام می دهند تا برنامه تداوم داشته باشد کمال تشکر را دارم و همچنین خدا را شاکر و سپاسگزارم که این برنامه‌ی انسان ساز را سر راه من قرار داد.

دَم مَزَن تا بشنوی از دَم زنان
آنچه نآمد در زبان و در بیان
-مولوی، مثنوی، دفتر سوم، بیت ۱۳۰۵

دَم مَزَن تا بشنوی ز آن آفتاب
آنچه نآمد در کتاب و در خطاب
-مولوی، مثنوی، دفتر سوم، بیت ۱۳۰۶

دَم مَزَن تا دَم زنده بهر تو روح
آشنا* بگذار در کشتی نوح
-مولوی، مثنوی، دفتر سوم، بیت ۱۳۰۷
*-آشنا: شنا کردن .

این سه بیت واقعاً کلید است در این جا مولانای جان می گوید تو خاموش باش یک کسی در درون شما دارد صحبت می کنند دم می زند الان، در گفتگو بر او پیشی مگیر.

دم مزن، خاموش باش تا آن کسی که صحبت می کند در درون، آن را بشنوی، که این در زبان و بیان نیامده. در کتاب نیست دم مزن، تا از آن آفتاب بشنوی، آفتاب در درون تو دارد حرف می زند، این در کتاب و خطاب به حرف گفته نشده، در درون تو باید به گوش تو گفته شود. «دم مزن تا دم زند بهر تو روح»، یعنی شنا کردن را بگذار، در یک دریا هستی که ممکن است غرق شوی، یک فضای یکتایی است با ذهن شنا نکن، فضا را باز کن، وارد فضای یکتای، فضای گشوده شده که کشتی نوح است بشو . اما اگر ذهن را حالا نمی گویم خاموش کنیم، سرعتش را کم کنیم ما عمیقاً درک می کنیم که هر لحظه زندگی یک پیغامی به ما می فرستد از طریق اتفاقی که می افتد و اگر ما ساکت باشیم، این پیغام را لحظه به لحظه می گیریم.

هست مهمانخانه این تن ای جوان
هر صباحی ضیف* نو آید دوان
-مولوی، مثنوی، دفتر پنجم، بیت ۳۶۴۴

هین مگو کین ماند اندر گردنم
که هم اکنون باز یَرَد در عدم
-مولوی، مثنوی، دفتر پنجم، بیت ۳۶۴۵

هرچه آید از جهان غیب و ش
در دلت ضیفست، او را دار خَوش
-مولوی، مثنوی، دفتر پنجم، بیت ۳۶۴۶
*-ضیف: مهمان

پس این تن ما مثل مهمانخانه است، هر لحظه یک مهمان جدید می آید، با ذهن مقاومت نکن، نگو این وضعیت ماند در گردنم این چیست پیش آمده؟ این آمده یک درسی به تو بدهد درسش را بگیر، اگر ردش کنی مقاومت کنی برمی گردد، می رود. پس در اینجا ما فهمیدیم که هر چه از جهان غیبش می آید، هر چه قضا و کن فکان برای ما این لحظه پیش می آورد فضا را باز کنیم، این مهمان است پیغامش را بگیریم بگذار برود. اگر ما اینطوری پیغام را بگیریم هر چه زودتر پیشرفت می کنیم. انشاءالله

ارادتمند شما خورشید از مهاباد